

بررسی تأثیر ازدواج دانشجویی بر روی ابعاد کارکردی عام نظام اجتماعی*

Impact of Student's Marriage on Functional Dimension of Social System

H. Ghanimati, M. A. ✉

حسن غنیمتی ✉

M. S. Mahdavi, Ph.D.

مرئی دانشکده مدیریت و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

محمدصادق مهدوی

استاد جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

This article is aimed to assess some effects of "Student's Marriage Program", which is established annually in universities and is supported and encouraged by them. The basic questions are: (1) are Student's marriages stable?, and (2) do the marriages positively influence educational attainment, keeping cultural patterns, and other dimensions such as adaptation, goal attainment, integration, and personality systems of the participants? To answer these questions and to explain the subject, an integrated theoretical

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی آثار ازدواج‌های دانشجویی که با حمایت و تشویق دانشگاه‌ها به صورت سالانه برگزار می‌شوند، می‌پردازد. به طور اساسی این مطالعه قصد دارد به این سؤالات پاسخ دهد که: آیا ازدواج‌های دانشجویی از ثبات برخوردار بوده‌اند؟ و در حوزه آموزشی و حفظ انگاره‌های فرهنگی و در ابعاد دیگر (انطباق با محیط، دستیابی به هدف، حفظ انسجام و نظام شخصیتی)، منجر به ایجاد و بروز تأثیرات مثبت شده‌اند؟ برای پاسخ به این سؤالات و تبیین موضوع مورد مطالعه از طریق مرور ادبیات نظری مرتبط با پژوهش حاضر یک مدل نظری منسجم ارائه گردید.

✉Corresponding author: Dept. of Management.
Qazvin azad University, Iran
Tel: +98281-3681598
Fax: +98281-3670122
Email: h-ghanimati@sbu.ac.ir

*این پژوهش با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی انجام شده است.

✉ نویسنده مسئول: قزوین- دانشگاه آزاد اسلامی - گروه مدیریت
تلفن: ۰۲۸۱-۳۶۸۱۵۹۸ دورنما: ۰۲۸۱-۳۶۷۰۱۲۲
email: h-ghanimati@sbu.ac.ir پست الکترونیکی:

model is planned by reviewing related literature. The method was "Survey Research". The tool for gathering data was a questionnaire. The sample was 602 students who were participated in the program in 5 branches of Islamic Azad University. The results showed two-fold directions: First, supporting and encouraging the program by universities positively influences adaptation, goal attainment, integration, and personality systems of participants. Second, it has a paradoxical, positive and negative influence on the inherent role of the higher education institutes to educate individuals.

Key Words: Social Function, Cultural Patterns, Adaptation, goal Attainment, Integration, Personality Systems, Student's Marriage, Marriages Stable.

و برای آزمون تجربی مدل نظری مورد اشاره از روش پیمایش استفاده شد. اطلاعات از طریق ابزار نیاز از جمعیت نمونه شامل ۶۰۲ نفر از دانشجویانی که در جشن‌های ازدواج دانشجویی در ۵ واحد دانشگاهی آزاد اسلامی شرکت کرده بودند، جمع‌آوری گردید. نتایج نشان می‌دهند که ایفای نقش تسهیلی و تشویقی از سوی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای ازدواج دانشجویان اگرچه می‌تواند از یک سو منجر به آثار مثبت در انطباق با محیط، دستیابی به هدف، حفظ انسجام به‌عنوان ابعاد کارکردی نظام عام اجتماعی و نظام شخصیتی گردد، اما از سوی دیگر این امر دارای آثار دوگانه متضاد در ایفای نقش ذاتی مراکز آموزش عالی در امر آموزش افراد می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: موفقیت تحصیلی، کارکرد اجتماعی، انگاره‌های فرهنگی، انطباق، دستیابی به هدف، انسجام، نظام شخصیتی، ازدواج دانشجویی، ثبات ازدواج

مقدمه

امروزه ساختارها و نهادها از نقش‌های یگانه و سنتی خود فاصله گرفته و به‌سوی ایفای نقش‌های دوگانه و چندگانه حرکت می‌کنند. این شرایط می‌تواند آثار تسهیل‌کننده و گاهی تحدیدکننده‌ای برای ساختارهایی که چنین نقش‌هایی را ایفا می‌کنند، داشته باشند. یکی از مهم‌ترین ساختارها و نهادهایی که از چنین شرایطی برخوردار است، نهاد آموزش و نظام دانشگاهی است. دانشگاه‌ها علاوه بر نقش‌های سنتی، توجه به خانواده و فرایند ازدواج از طریق برگزاری جشن‌های ازدواج دانشجویی را در سال‌های اخیر به‌عنوان یک نقش نو پذیرفته‌اند. اکنون این سؤال مطرح است که آیا دانشگاه‌ها با بر عهده گرفتن چنین نقش‌هایی می‌توانند تأثیر مثبتی بر روی تسهیل نقش‌های سنتی خود و ابعاد عام نظام اجتماعی به‌عنوان حوزه تأثیرگذاری نقش جدید داشته، از آن طریق بتوانند زمینه رشد و توسعه جوامع یا همان به‌گشت اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵) را فراهم آورند؟ پارسونز (۱۹۵۱) چهار شکل کارکردی عام را برای هر نظام اجتماعی در هر سطحی مطرح می‌نماید. این چهار شکل کارکردی (چلبی، ۱۳۷۵؛ ۱۴) عبارتند از: انطباق با محیط، دستیابی به هدف، حفظ انسجام و حفظ انگاره‌های فرهنگی.

از منظر پارسونز هر جامعه‌ای بایستی توانایی فراهم آوردن شرایط رسیدن به این چهار شکل کارکردی را داشته باشد تا بتوان آن جامعه را دارای نظم و ثبات و دارای کارکرد مثبت دانست. هر کنش و رفتاری، در سطح خرد یا کلان که بتواند به نظام اجتماعی برای رسیدن به این شرایط کمک کند دارای کارکرد مثبت تلقی شده و بایستی تداوم داشته باشد. در غیر این صورت یا دارای کارکرد خنثی است و یا منفی که در هر دو صورت تداوم آن نفعی برای نظام اجتماعی نخواهد داشت. گاهی انجام کنش‌ها و رفتارهای مورد اشاره مشروط به یک زمان خاص است و نتایج و کارکردهای آن هم در آن زمان خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد و چه بسا در زمانی دیگر نتایج متفاوتی را به دنبال داشته باشد. به‌عنوان مثال ازدواج در زمان دانشجویی بودن که مورد مطالعه پژوهش حاضر است می‌تواند نمونه خوبی از این کنش‌ها باشد.

مروری بر ادبیات نظری

می‌توان ادعا کرد که غالباً بر روی این موضع که رشد و توسعه نیازمند توجه به عواملی است که در دو سطح متفاوت خرد و کلان قرار می‌گیرند، اشتراک نظر وجود دارد. این دو سطح می‌تواند سطح شخصیت (سطح خرد) و سطح ساختارها (سطح کلان) را شامل شود. به تبع این واقعیت، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا امکان تغییر مثبت این عوامل (خرد و کلان) از طریق تعریف نقش‌های جدید برای نهادها و ساختارهایی هم‌چون دانشگاه‌ها وجود دارد یا بالعکس؛ تعریف نقش‌های جدید نه تنها موجب تغییرات مثبت در این عوامل نبوده بلکه ایفای نقش‌های سنتی ساختارهای مورد نظر را هم با مانع مواجه می‌نماید؟ نویسندگان بر این اعتقادند که ازدواج و تسهیل شکل‌گیری خانواده به‌عنوان یکی از این عوامل، می‌تواند زمینه شکل‌گیری تمایلات شخصیت پیشرفته در سطح خرد و هم‌چنین ساختارهای نظام‌یافته در سطح کلان را فراهم آورد. ازدواج فرآیندی است که منجر به شکل‌گیری نخستین سلول اجتماعی می‌گردد (مهدوی، ۱۳۷۷). ازدواج به‌عنوان یک امر و فرایند تغییردهنده ذاتاً در بعد انسجامی قرار دارد که هم می‌تواند موجب تغییرات در دیگر ابعاد کارکردی عام نظام اجتماعی و «نظام شخصیتی» گشته و هم موجب تغییرات در همان بعد انسجامی گردد. بر این اساس می‌توان چندین حالت متفاوت را از هم متمایز نمود: در حالت اول کنشگر در وضعیت موجود در زمان t_1 دارای وضعیت غیر بهینه است و در گذر به زمان t_2 تغییر منجر به ایجاد آثار نامطلوب‌تر و غیر بهینه‌تر می‌گردد. در حالت دوم کنشگر در وضعیت موجود در زمان t_1 دارای وضعیت بهینه است که در گذر به زمان t_2 عامل تغییر، تأثیری در وضعیت ندارد. در حالت سوم کنشگر در وضعیت موجود در زمان t_1 دارای وضعیت غیربهینه است که در گذر به زمان t_2 دچار تغییر از وضعیت غیربهینه به وضعیت بهینه می‌شود.

در این‌جا بایستی به این مسئله توجه نماییم که با شکل‌گیری خانواده و ازدواج در دوران دانشجویی به‌عنوان یک عامل تغییردهنده شاهد کدام یک از حالت‌های سه‌گانه مطروحه در بالا خواهیم شد. بر این اساس آیا حمایت‌ها و تشویق‌های صورت گرفته از سوی دانشگاه‌ها و سازمان‌ها در دوره دانشجویی منجر به ایجاد تغییرات بهینه گردیده است یا خیر؟

ازدواج و رابطه آن با انطباق با محیط، دستیابی به هدف، حفظ انسجام

چهار شکل کارکردی عام نظام اجتماعی مطرح شد، برای توضیح این امر ابتدا به تشریح معلولات رابطه بین چهار شکل کارکردی عام و ازدواج به‌عنوان کنش موردنظر می‌پردازیم. منظور از انطباق با محیط آن است که تمام نظام‌های کنش در سطوح مختلف در بعد اقتصادی ظرفیت تولیدشان در جامعه بالا رود، به‌طوری که هر نظام کنشی در هر سطح، استقلال و نظارت بیشتری نسبت به محیط اثباتی خود کسب نماید، به زبان دیگر توانایی تولیدی افراد گسترش یابد. در توضیح بعد دستیابی به هدف بایستی اشاره داشت که، انسان‌ها هر کدام خواسته‌ها و تمنیات مختص به خود را دارند که ممکن است این خواسته‌ها با خواسته‌های جمعی در تضاد باشد، در این‌جا منظور از دستیابی به هدف این است که چقدر افراد با رعایت خواسته‌های جمعی در رسیدن به خواسته‌های فردی موفق می‌شوند. منظور از بعد انسجامی این است که از طریق فراهم آوردن شرایط، زمینه افزایش مبادلات و تعاملات درون‌گروهی را فراهم آورد، این امر موجب نوعی اعتماد اجتماعی، تفکیک نقش و وابستگی متقابل است (چلبی، ۱۳۷۵؛ ۲۸). برای تبیین این روابط از نظریه و دیدگاه تحلیل شبکه اجتماعی که مبتنی بر مفروضات مهمی از روابط میان واحدهای متعامل اجتماعی می‌باشد، استفاده شده است (وسرمن و فاست، ۱۹۹۹).

در تحلیل‌های شبکه اجتماعی واقعیت این است که واحد تحلیل، کنشگران نیستند بلکه موجودیت‌هایی هستند که از جمعی از کنشگران و اتصالات میان آن‌ها ساخته می‌شوند. در واقع از این منظر آن‌چه که مورد تمرکز قرار می‌گیرد یک عینیت اجتماعی مشهور است که در این‌جا می‌تواند ازدواج باشد. در این عینیت تعدادی از کنشگران سهیم بوده و به واسطه آن عینیت (ازدواج) با هم رابطه دارند. این رابطه محوری‌ترین موضوع مورد بحث تحلیل شبکه می‌تواند باشد. چنان‌چه دو نفر با هم رابطه برقرار می‌کنند یک واحد اجتماعی را می‌سازند که دوام آن واحد اجتماعی به واسطه دوام رابطه آن‌ها امکان‌پذیر است (وسرمن و فاست، ۱۹۹۹؛ نقل از غنیمتی، ۱۳۸۲).

نتایج مطالعات صورت گرفته در مورد نقش ازدواج در تغییر ساختار شبکه روابط نشان داده است که افراد ازدواج کرده نسبت به افراد مجرد، پیوندهای بیشتری با خویشاوندان و همسایگان و پیوندهای کمتری با دوستان و همکاران خود دارند (ولمن و ولمن، ۱۹۹۲؛ هولبرت و کوک، ۱۹۹۰؛ ولمن، ۱۹۸۵؛ فیشر، ۱۹۸۲؛ ببینید باستانی، ۲۰۰۱: ۶۰).

ازدواج، خویشاوندان بیشتری را وارد شبکه فرد می‌کند، اما تراکم شبکه را کاهش می‌دهد (گوردون و داوینگ، ۱۹۷۸؛ ولمن و همکاران، ۱۹۸۸؛ ببینید باستانی ۲۰۰۱: ۶۰). البته قابل توجه است که این نتایج با توجه به جنسیت ثابت نیست و تغییر می‌کند به طوری که مطالعات نشان می‌دهند که ازدواج، تعداد خویشاوندان را برای مردان و زنان افزایش می‌دهد اما از تعداد روابط غیرخویشاوندی در مورد زنان کاسته می‌شود (فیشر و الیکر، ۱۹۸۳؛ فیشر و فلیپس، ۱۹۸۲؛ فیشر و الیکر، ۱۹۸۳).

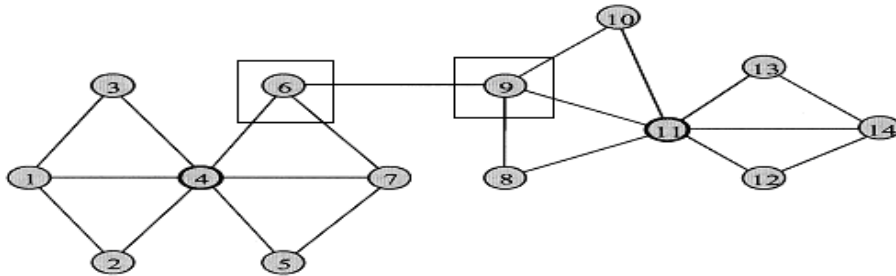
وضعیت تأهلی هم‌چنین بر میزان دریافت حمایت واقعی و یا احساس حمایت از طریق شبکه نیز مؤثر است. بدین صورت که همیشه داشتن یک شریک صمیمی به‌عنوان یک منبع حمایت مورد توجه قرار گرفته است. هرچند که ممکن است این موضوع به‌وسیله موارد دیگر تحت تأثیر قرار گیرد (شوارتز و رالف، ۲۰۰۳: ۶، رز و میروسکی، ۱۹۹۲؛ گریستل و همکاران، ۱۹۸۵؛ انسل، ۱۹۸۶).

ترنر و مارینو (۱۹۹۴) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که افراد متأهل بیشتر از مجردین احساس حمایت می‌کنند حتی اگر این حمایت کم یا حتی وجود نداشته باشد. وجود علقه و دلبستگی در رابطه تأهلی می‌تواند یک منبع اساسی حمایت اجتماعی را به‌وجود آورد. این رابطه می‌تواند حداقل سه پیامد حمایتی را برای افراد متأهل داشته باشد: تأهل، هر دو زوج را در روابط اجتماعی بیشتری درگیر می‌کند که باعث افزایش منابع حمایتی می‌شود؛ در برابر بیماری‌های روانی و جسمانی افراد را بهتر حمایت می‌کند؛ در هنگام سختی‌ها، حداقل یک نفر وجود دارد که آن‌ها را همراهی و کمک کند (ولمن، ۱۹۸۸).

بررسی ازدواج و تأثیر آن بر شکل‌گیری مسیرها و گره‌هایی که در یک شبکه ایجاد می‌شود و منجر به ایجاد یکپارچگی، سرمایه اجتماعی و موارد مشابه دیگر می‌شود، نشان می‌دهد که اگر شکل‌گیری روابط میان زوج‌های ناهمبند قبلی با زوج‌های همبند شده از طریق ازدواج مورد مقایسه قرار گیرد، مسیرهای چندگانه‌ای که در شبکه روابط کنشگران از طریق عینیت ازدواج با همدیگر مرتبط شده‌اند ردیابی می‌شود. بنابراین توانایی شبکه برای «ارائه حمایت‌های مادی و معنوی» هم‌چنان که تعداد راه‌هایی که می‌توانیم اعضای شبکه را به هم اتصال دهیم، افزایش پیدا می‌کند، بالا رود. این تصور را می‌توان بدین شکل عنوان کرد، هم‌چنان که دسترس‌پذیری به‌عنوان یک خصوصیت اساسی در شبکه از طریق اتصالات (ازدواج) افزایش پیدا می‌کند، «ارائه حمایت‌های مادی و معنوی» نیز بیشتر می‌شود (وایت و هرری، ۲۰۰۱؛ نقل از غنیمتی، ۱۳۸۲).

وقتی شخصی با ازدواج دارای یک هویت مشخص می‌گردد احتمال به‌دست آوردن اطلاعات لازم بیشتری برای وی فراهم می‌شود. این هویت مشخص (ازدواج) می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد پیوندهای ضعیف با ساختارهای مقابل شود. پس، از نقطه نظر اشخاص، پیوندهای ضعیف که از طریق اتصال با یک پیوند قوی در ساختار جدید به‌وجود می‌آیند، منابع مهمی در جهت ایجاد فرصت‌های تحرک به‌ویژه

شغلی را مهیا می‌کنند. شکل زیر نمایش گرافیکی چنین شبکه‌هایی را نشان می‌دهد که در آن گره‌های شماره ۶ و ۹ با ایجاد یک پیوند قوی از طریق ازدواج در ساختارهای روابط خویشاوندی طرف مقابل نفوذ کرده و از طریق رابطه‌های تقریباً ضعیف با دیگر اعضاء ساختار مقابل می‌توانند منابع مهمی از اطلاعات و راهنمایی‌های مورد نیاز خود را به‌دست آورند.



شکل (۱) ایجاد پل از طریق ازدواج مابین دو ساختار تفکیک شده

پیوندهای ضعیف با ساختار مقابل یک نقش تأثیرگذار و مهم بر روی یکپارچگی و انسجام اجتماعی نیز دارند.

اقتصاددانان بازار مدت زمان طولانی است که نسبت به این موضوع آگاهی دارند که افراد شغل‌های جدید را بیشتر از طریق ارتباطات شخصی خود پیدا می‌کنند تا شیوه‌های دیگر. مطالعات صورت پذیرفته از این نکته نشأت می‌گیرد که آیا بین ارتباطات شخصی که می‌تواند برای افراد اطلاعات کافی را مهیا کند و یافتن شغل رابطه‌ای وجود دارد یا نه؟ در یک نمونه تصادفی در حوزه شغلی مدیریتی و فنی حرفه‌ای که اخیراً شغل خود را تغییر داده بودند نشان داده شد که آن‌ها از طریق اطلاعاتی که از اطرافیان خود و تماس با آنان داشته، توانسته‌اند شغل جدیدی پیدا نمایند. از این منظر ازدواج می‌تواند به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در پیدایش آشنایی‌ها و گسترش تعداد اطرافیان نقش بسیار مهمی را در یافتن شغل یا دستیابی به هدف ایفا نماید. ازدواج به‌عنوان یک پل می‌تواند دو ساختار آشنایی مجزا از هم را به همدیگر متصل نماید و با دیگران در ساختار مقابل پیوندهای ضعیفی برقرار نماید. این پیوندهای ضعیف، فرصتی را فراهم می‌نماید که فرد بتواند با تعداد بیشتری از افراد در یک زمان مشخص و ثابت ارتباط داشته و اطلاعات مورد نیاز را به‌دست آورد.

بنابراین می‌توان چنین اظهار کرد، آن‌هایی که یک ارتباط قوی با یک کنشگر در ارتباط ضعیفی با دیگر کنشگران ساختار مقابل برقرار می‌نمایند، بیشتر محتمل است که در چرخه‌های مختلفی که در

اطرافشان وجود دارد دور بزنند و هم‌چنان به اطلاعات متفاوتی هم دسترسی داشته باشند. این اطلاعات زمینه موفقیت بیشتر را برای افراد فراهم می‌کند.

از جمله دست‌آوردهای دیگر چنین شبکه‌ها و ساختارهایی، گسترش سرمایه اجتماعی افراد است که در برگشت، مجدداً زمینه انطباق بیشتر با محیط و دستیابی به هدف را فراهم می‌سازد. هرچند سرمایه اجتماعی ذاتاً یک امر اجتماعی و انسجامی است. واژه سرمایه اجتماعی در چند سال اخیر از مشهورترین مفاهیم جامعه‌شناختی است که به عرصه زبان و زندگی روزمره وارد شده است. تازگی و نیروی سرمایه اجتماعی از دو عامل ناشی می‌شود: تأکید بر پیامدهای مثبت جامعه‌پذیری و قرار دادن پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی در چارچوب بحث سرمایه و پرداختن به این موضوع که چگونه اشکال غیرپولی مانند قدرت، نفوذ و شبکه‌های ارتباطی، همانند دارایی‌ها و حساب‌های بانکی عمل می‌کنند. به نحوی که افراد بدون داشتن سرمایه اقتصادی به‌صرف تکیه بر سرمایه اجتماعی که با ازدواج افزایش می‌یابد می‌توانند به‌ویژه در دستیابی به اهداف خود مؤثرتر عمل نمایند. سرمایه اجتماعی هم‌چون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (یعنی ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهند) هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند. هم‌چنین سرمایه اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. همان‌طور که سرمایه فیزیکی با ایجاد تغییرات در مواد، جهت شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند، به‌وجود می‌آید و از جنبه‌ای ملموس و قابل مشاهده برخوردار است، سرمایه انسانی نیز با تغییر دادن افراد برای کسب مهارت‌ها و توانایی‌ها، افراد را توانا می‌سازد تا به شیوه‌های جدید رفتار کنند، بنابراین کمتر ملموس بوده و در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده تجسم می‌یابد. اما سرمایه اجتماعی، حتی کمتر از سرمایه انسانی نیز ملموس بوده و در روابط میان افراد تجسم می‌یابد و زمانی به‌وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شوند و کنش را تسهیل کنند (کلمن، ۱۳۷۷؛ ۴۶۵).

ازدواج یکی از عواملی است که می‌تواند منجر به توسعه و بسط سرمایه اجتماعی فرد به‌ویژه در حوزه رابطه‌ای گردد. این توسعه از طریق تعدد منابع ارائه‌دهنده حمایت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. این منابع جدید شامل: محیط خانواده، گروه همسالان، دوستان، خویشاوندان و همکاری می‌شود که از طریق ارتباط با یک ساختار خویشاوندی دیگری به‌دست می‌آید. مطابق با نظرات اندیشمندان این حوزه، سرمایه اجتماعی رابطه‌ای می‌تواند به اشکال مختلف سرمایه تبدیل گردد.

ازدواج و حفظ انگاره‌های فرهنگی

یکی دیگر از اشکال کارکردی عام نظام اجتماعی حفظ انگاره‌های فرهنگی است. انتظار می‌رود در اثر ایجاد یک رابطه از نوع ازدواج در محیط فرهنگی با حفظ انگاره‌های فرهنگی با شکل‌گیری دو نوع

گرایش مواجه شویم: میل به فعال‌گرایی و تمایل به خردورزی. فعال‌گرایی تمایل به تنسيق نمادها برای غلبه بر محیط، جهت تأمین منافع آنی کنشگر است بدون این‌که نیازها تعديل مهمی را تجربه کنند. در مقابل میل به خردورزی بیانگر تنسيق نیازهای ارگانیک توسط نمادها است. با برخورداری از تمایل اخیر فرد ارضای نیازها را از پیش محاسبه می‌نماید (چلبی، ۱۳۷۵؛ ۲۳۳). مهم‌ترین معرف محیط فرهنگی، نمادها و دانش است که می‌توانند از طریق آموزش، شرایط خردورزی و فعال‌گرایی بیشتر را فراهم آورند. این شرایط بر روی تمایلات شخصیت پیشرفته اثرگذار است. بر این اساس در این بعد توجه اساسی مطالعه حاضر بر تأثیر ازدواج بر روی وضعیت آموزشی و تحصیلی دانشجویان می‌تواند قرار گیرد و از این طریق زمینه حفظ انگاره‌های فرهنگی را برای دوام یک نظام اجتماعی فراهم آورد. تحقیقات متعدد نشان می‌دهند که ازدواج و تأهل رابطه مستقیمی با دست‌آوردها و موفقیت‌های تحصیلی دانشجویان دارد. بر این اساس ازدواج می‌تواند به حفظ انگاره‌های فرهنگی از طریق گسترش دانش کمک نماید.

مطالعه صورت پذیرفته توسط فلدمن (۱۹۷۳) بر روی دانشجویان دوره دکترا که در جریان تدوین و تهیه رساله خود بوده‌اند، نشان می‌دهد که ازدواج تأثیر مثبتی بر روی دستاوردهای تحصیلی آن‌ها داشته است. هم‌چنین ازدواج بر روی میزان ماندگاری و زمان لازم برای فارغ‌التحصیل شدن دانشجویان در مقاطع تحصیلی مختلف تأثیرگذار است. بسیاری از سیاست‌گذاران و محققان دریافته‌اند که سطوح بالاتری از میزان ماندگاری و زمان طولانی برای اخذ درجه موجب هدر رفتن منابع آموزش عالی، افزایش هزینه ورود به مشاغل و توانایی‌های دانشجویان در پی‌گیری دوره‌های تکمیلی‌تر در دانشگاه‌ها می‌شود.

در یکی از مطالعات صورت گرفته نشان داده شده است که دانشجویان مردی که در ابتدای شروع تحصیلات تکمیلی ازدواج کرده‌اند، به‌طور میانگین $3/9$ درصد بیشتر احتمال داشت که در سال تعیین شده و مقرر فارغ‌التحصیل شوند در واقع آن‌ها $0/32$ سال زودتر تحصیلات خود را نسبت به مردان مجرد تکمیل کرده و به اتمام رسانده‌اند. این میزان برای دانشجویان زن متأهل نسبت به مردان متأهل کمتر بود اما احتمال این‌که مقاطع تحصیلی‌اشان را نسبت به دانشجویان زن مجرد زودتر تکمیل کنند $0/21$ سال بیشتر بود. بیشتر تحقیقات اخیر در این حوزه که ارتباط ویژه با تحصیلات عالی داشته‌اند، نشان‌دهنده تبیین‌های بالقوه‌ای برای پیش‌بینی یک اتصال علی بین ازدواج و نتایج بهتر دانشجویان تحصیلات تکمیلی بوده است.

ازدواج و نظام شخصیتی

انسان از دو بعد جسم و روح تشکیل شده است که باید از هر دو بعد محافظت نماید و نیازهای هر دو را برآورده سازد. بنابراین نیازهای فردی را می‌توان در بعد مادی (معیشتی و زیستی) و روانی

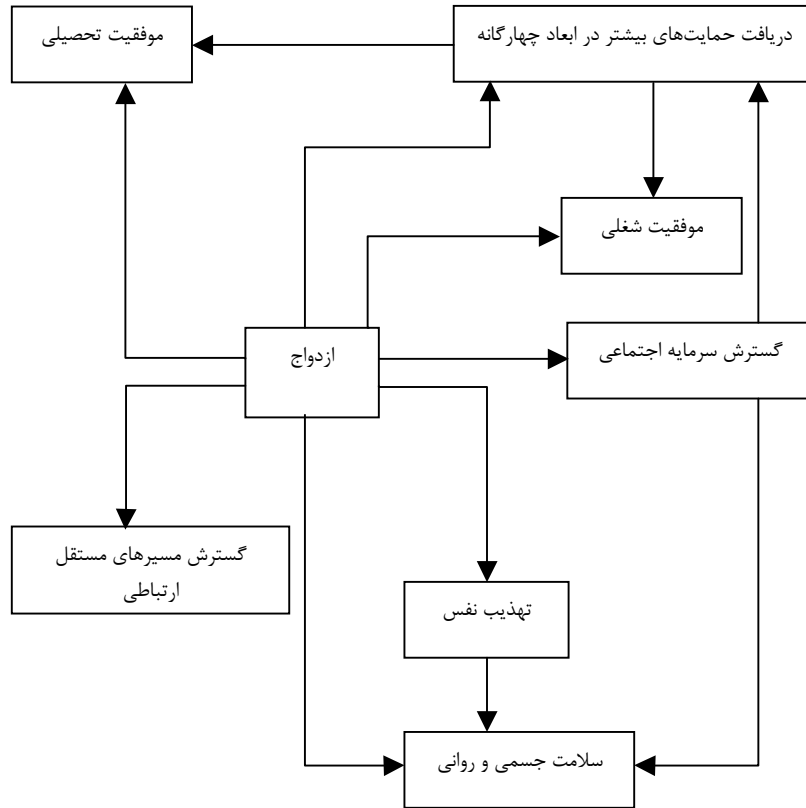
تقسیم کرد. حال باید دید که در فرایند ازدواج (به مثابه یک مبادله اجتماعی عقلانی) یک فرد به چه مطلوبیت‌های روانی و جسمی دست خواهد یافت. به تعبیر اشتراوس فرایند ازدواج، تلفیقی است دراماتیک از نیازهای جسمی و روانی. ازدواج، علاوه بر پاسخگویی به نیازهای طبیعی یک انسان (که مهم‌ترین آن‌ها نیاز جسمی است) عامل بسیار مهمی در آرامش و تسکین روان انسانی است. نتایج تحقیقات بسیاری از دیر باز مبین این نکته است که آمار انحرافات اخلاقی و نیز اختلالات روانی، در بین متأهلین به‌صورت بسیار معناداری کمتر از مجردین است. تعهدی که بعد از ازدواج در فرد نسبت به خانواده به‌وجود می‌آید مانع بسیار مهمی در برابر بسیاری از مشکلات و اختلالات موجود در رفتار فردی است.

مطالعات نشانگر تأثیر ازدواج بر روی زمان و مدت تولیدکنندگی، رفتارهای مخاطره‌آمیز و بهداشت فیزیکی و روانی می‌باشد. مطالعات وایت و گالاگر (۲۰۰۰) و آلسرف (۱۹۹۸) نشان می‌دهند که مردان متأهل در مقایسه با مردان مجرد بیشتر تولیدکننده هستند و از سلامتی روانی و فیزیکی (جسمی) بیشتری خوردار هستند؛ در رفتارهایی با مخاطره و با ریسک بالا، کمتر درگیر می‌شوند. این تأثیرات معمولاً بر روی زنان کمتر است در حالی که تغییرات رفتاری‌ای که با ازدواج همراه می‌شوند برای مردان نسبت به زنان بیشتر است. به تعبیر دیگر می‌توان ادعان داشت که ازدواج باعث افزایش سلامت روانی افراد می‌گردد. برای سلامت روانی تعاریف متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها تعریف انجمن کانادایی سلامت روان است که آن را در سه قسمت تعریف کرده است که شامل سلامت روانی در: نگرش‌های مربوط به خود، نگرش‌های مربوط به دیگران و نگرش‌های مربوط به زندگی می‌باشد (گنجی، ۱۳۷۶)

برای مسئله سلامتی روان و بهداشت روانی در دو سطح خرد و کلان می‌توان عللی را جستجو کرد. یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار، موضوع ازدواج و تشکیل خانواده است که می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر روی شکل، شیوه و سبک زندگی، تعاملات اجتماعی و ایجاد شادی اجتماعی بر سلامتی روان تأثیر بگذارد. سبک زندگی سالم وسیله مناسبی برای کاهش حوادث و رویدادها و سازگاری و کنار آمدن با مشکلات زندگی و نیز بهبود کیفیت زندگی است (لیونز و لانگیل، ۲۰۰۰). به‌عبارت دیگر سبک زندگی سالم عبارت است از: ارائه راه‌هایی که از طریق آن افراد می‌توانند زندگی‌شان را سالم‌تر و بهتر نمایند. برخی از این رفتارها و الگوها عبارتند از: تغذیه مناسب و متعادل، فعالیت‌های جسمانی از قبیل ورزش کردن به‌صورت منظم، استراحت و خواب کافی، داشتن روابط اجتماعی مناسب، استفاده از مهارت‌های مناسب جهت مقابله با استرس و مشکلات زندگی و در نهایت ازدواج به‌عنوان یکی از مؤثرترین این راه‌ها و رفتارهاست. اس‌والد و ویلسون با انجام تحقیقی در سال ۲۰۰۵ تحت عنوان چگونه ازدواج بر بهداشت روانی و جسمی تأثیر می‌گذارد؟ نشان می‌دهند که

میزان سلامتی به دست آمده از بابت ازدواج قابل توجه می‌باشد و حتی ممکن است آن قدر زیاد باشد که از منافع و سلامتی حاصل از ترک سیگار هم بیشتر باشد.

شکل ۲: مدل نظری منتج از ادبیات مرتبط با موضوع مورد مطالعه



روش

برای سنجش نتایج ازدواج‌های دانشجویی هم‌چنان که در بخش ادبیات نظری مطرح گردیده، چهار بعد مفهومی و نظری مورد توجه بوده است و به بررسی تأثیر ازدواج در ابعاد مورد نظر بعد از ازدواج نیز پرداخته شده است. جدول زیر نشانگر این ابعاد به همراه متغیرهای مرتبط با هر کدام از آنها است.

جدول ۲: متغیرها و ابعاد مورد استفاده

متغیر	بعد مورد نظر
وضعیت تحصیلی قبل از ازدواج	حفظ انگاره‌های فرهنگی
وضعیت تحصیلی بعد از ازدواج	حفظ انگاره‌های فرهنگی
وضعیت شبکه روابط قبل از ازدواج	حفظ انسجام و انطباق با محیط
وضعیت شبکه روابط بعد از ازدواج	حفظ انسجام و انطباق با محیط
وضعیت تهذیب نفس قبل از ازدواج	نظام شخصیتی
وضعیت تهذیب نفس بعد از ازدواج	نظام شخصیتی
وضعیت سلامت روانی و جسمی قبل از ازدواج	نظام شخصیتی
وضعیت سلامت روانی و جسمی بعد از ازدواج	نظام شخصیتی
وضعیت ترقی شغلی قبل از ازدواج	دستیابی به هدف
وضعیت ترقی شغلی بعد از ازدواج	دستیابی به هدف
دریافت حمایت قبل از ازدواج	انطباق با محیط
دریافت حمایت بعد از ازدواج	انطباق با محیط

با توجه به موضوع مورد مطالعه و شکل آن از روش پیمایش و شیوه پانل واپس‌نگر استفاده شده است.

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه مورد نظر دارای ۶۳ سؤال بوده است که با ۱۱ سؤال اولیه متغیرهای زمینه‌ای مورد پرسش قرار گرفته است و با ۵۲ سؤال (گویه) بعدی که به صورت طیف لیکرت ۴ قسمتی طراحی گردیده، قصد آزمون فرضیه‌های طرح شده را داشته است. شیوه تکمیل پرسشنامه بدین صورت بوده است که پرسشگران با مراجعه به نمونه‌های مورد نظر که اسامی آن‌ها از طریق معاونت‌های فرهنگی واحدهای دانشگاهی تهیه شده بود، اقدام به تکمیل پرسشنامه کردند.

به منظور افزایش اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار محتوایی استفاده شده است. به این منظور پرسشنامه ساخته شده در اختیار تعدادی از اساتید و کارشناسان امر قرار گرفت و از نظرات آن‌ها استفاده شد. برای داشتن پایایی مناسب پرسشنامه مورد ارزیابی اولیه و آزمون اولیه قرار گرفت، در این بخش سؤالات نامناسب حذف گردید. در جدول زیر میران ضریب آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها آورده شده است.

جدول ۳: ضرایب آلفا برای متغیرهای مورد استفاده

ضرایب آلفا	متغیر
.۹۰۰۸	وضعیت تحصیلی قبل از ازدواج
.۸۳۹۳	وضعیت تحصیلی بعد از ازدواج
.۸۰۵۲	وضعیت شبکه روابط قبل از ازدواج
.۷۶۳۳	وضعیت شبکه روابط بعد از ازدواج
.۸۸۵۰	وضعیت تهذیب نفس قبل از ازدواج
.۸۹۱۱	وضعیت تهذیب نفس بعد از ازدواج
.۸۵۹۵	وضعیت سلامت روانی و جسمی قبل از ازدواج
.۸۴۳۸	وضعیت سلامت روانی و جسمی بعد از ازدواج
.۷۲۵۵	وضعیت ترقی شغلی قبل از ازدواج
.۶۶۶۴	وضعیت ترقی شغلی بعد از ازدواج
.۷۵۴۹	دریافت حمایت قبل از ازدواج
.۶۹۱۱	دریافت حمایت بعد از ازدواج

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

در مطالعه حاضر واحد مشاهده افراد، دانشجویان ازدواج کرده از طریق جشن‌های ازدواج دانشجویی در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۸ می‌باشند که در بین سال‌های ۸۵ - ۸۳ ازدواج کرده و هم‌چنان به تحصیل در دانشگاه مشغول بودند. این دانشجویان می‌توانند در مقاطع مختلف تحصیلی باشند.

نمونه‌گیری برای انتخاب واحدهای دانشگاهی به صورت تصادفی بوده است. در مرحله انتخاب تعداد نمونه‌ها در هر واحد دانشگاهی بر مبنای نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با تعداد دانشجویان ازدواج کرده هر واحد دانشگاهی با رعایت متغیر جنسیت مزدوجین بوده است. در نهایت در انتخاب نمونه‌ها در هر واحد دانشگاهی برای پاسخگویی مجدداً از روش تصادفی استفاده شده و دانشجویان مورد نظر به صورت تصادفی از میان دانشجویان ازدواج کرده انتخاب شدند. لازم به ذکر است، دانشجویانی انتخاب شده‌اند که حداقل یک سال از زمان ازدواج آن‌ها در دوران دانشجویی گذشته باشد. این امر بدان علت بوده است که با کنترل سایر وقایع تأثیرگذار در زندگی افراد بتوان تغییرات صورت گرفته در ابعاد چهارگانه ذکر شده و به‌ویژه آموزشی را سنجید.

جامعه آماری شامل ۱۰۹۶۱ نفر بوده است. حجم نمونه برآورد شده توسط فرمول کوکران برابر با ۵۶۸ نفر می‌باشد، میزان خطا ۰/۰۴ در نظر گرفته شده است. این تعداد از ۵ واحد دانشگاهی: دانشکده پزشکی، واحد تهران شمال، واحد قم، واحد شهرری، واحد قدس به نسبت تعداد مزدوجین انتخاب شده‌اند.

با توجه شیوه اتخاذ شده برای ارزیابی نتایج ازدواج دانشجویی و این که این ارزیابی بدون مقایسه وضعیت کنونی پاسخگویان با وضعیت آن‌ها قبل از ازدواج به همراه کنترل رویدادهای تأثیرگذار دیگر نمی‌تواند مبنای تحلیل مناسبی داشته باشد، بنابراین یکی از مناسب‌ترین آماره‌های موجود آزمون T برای گروه‌های وابسته می‌باشد که در این مطالعه برای تحلیل متغیرها و آزمون فرضیه‌ها از آن استفاده شده است.

یافته‌ها

در این جا ابتدا گزارش توصیفی از مطالعه حاضر ارائه می‌شود و سپس آزمون‌های آماری مناسب با سطح تحلیل و نوع مطالعه برای ارزیابی ادعاهای نظری (فرضیه‌ها) در بخش یافته‌های تحلیلی آورده می‌شود. در این مطالعه ۴۰ درصد از پاسخگویان مرد و ۶۰ درصد زن بوده‌اند. این پاسخگویان به‌طور میانگین ۲۵ سال سن داشته و بیشترین تعداد پاسخگویان در حال گذراندن ترم هفتم از دوره تحصیلی خود بوده‌اند. به‌طور متوسط ۹۴ واحد از کل واحدهای خود را گذرانده بودند. از تعداد ۶۰۲ پاسخگو تنها ۴ نفر وضعیت تأهلی خود را روشن نکرده بودند و با پذیرش نوعی تسامح اگر چنانچه این تعداد را به‌عنوان طلاق گرفته در نظر آوریم تنها حدود ۱ درصد از کسانی که در جشن‌های ازدواج دانشجویی شرکت کرده بودند طلاق گرفته‌اند که از میزان متوسط جامعه بسیار پایین‌تر است و نشانگر ثبات ازدواج افرادی است که بدین شکل ازدواج می‌کنند. البته ضروری است این امر مورد توجه قرار گیرد که از عمر حدود ۷۰ درصد ازدواج‌ها تنها یک‌سال می‌گذرد، بنابراین هرگونه قضاوت علمی در این باره نیازمند گذر وقت و زمان بیشتری از ازدواج‌های صورت گرفته می‌باشد. در جدول زیر گزارش توصیفی متغیرهای مورد سنجش آورده شده است. نمره‌های میانگین وارد شده در جدول زیر با توجه به ۴ قسمتی بودن طیف مورد استفاده می‌توانست حداقل ۱ و حداکثر ۴ باشد.

جدول ۴: میانگین متغیرهای مورد استفاده

اختلاف میانگین	میانگین		متغیرها
	نمره بعد از ازدواج	نمره قبل از ازدواج	
.۰۵۴	۳/۰۲۰۲	۲/۹۶۶۲	وضعیت تحصیلی
.۰۷۵۲	۲/۳۵۳۴	۲/۲۷۸۲	وضعیت شبکه روابط
.۵۵۷	۳/۷۴۹۶	۳/۱۹۲۶	وضعیت تهذیب نفس
.۳۵۳۴	۳/۱۶۶۴	۲/۸۱۳۰	وضعیت سلامت روانی و جسمی
.۲۹۰۸	۲/۸۲۶۳	۲/۵۳۵۵	وضعیت ترقی شغلی
.۵۷۸۲	۳/۰۱۳۲	۲/۴۳۵۰	دریافت حمایت

هم‌چنان‌که در بخش روش تحقیق مطالعه حاضر عنوان گردید برای اثبات صحت فرضیه‌ها از آزمون t برای نمونه‌های وابسته استفاده شده است.

جدول ۵: آزمون T برای گروه‌های وابسته

معناداری دو دامنه	درجه آزادی	t	تفاوت زوج‌ها					
			%۹۵ ضریب اطمینان		خطای میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
			حد بالا	حد پایین				
.۰۲۳	۵۰۸	-۲/۲۸۴	-۰۰۷۱	-۰۰۹۵۰	۰۰۲۳۷	۰۰۴۶۵	-۰۰۵۱۱	وضعیت تحصیلی قبل از ازدواج - وضعیت تحصیلی بعد از ازدواج
.۰۰۰	۴۹۳	-۳/۷۰۸	-۰۰۴۵۷	-۰۱۴۸۶	۰۰۲۶۲۰	۰۵۸۲۳۹	-۰۰۹۷۲	وضعیت شبکه روابط قبل از ازدواج - وضعیت شبکه روابط بعد از ازدواج
.۰۰۰	۵۲۳	۱۳/۷۳	-۰۴۹۱۳	-۰۶۵۵۳	۰۰۴۱۷۵	۰۹۵۵۶۴	-۰۵۷۳۳	وضعیت تهذیب نفس قبل از ازدواج - وضعیت تهذیب نفس بعد از ازدواج
.۰۰۰	۵۲۸	۱۰/۹۹	-۰۳۹۶۴	-۰۴۲۵۴	۰۰۳۲۸۳	۰۷۵۵۰۸	-۰۳۶۰۹	وضعیت سلامت روانی و جسمی قبل از ازدواج - بعد از ازدواج
.۰۰۰	۳۳۱	-۷/۶۲۴	-۰۲۱۱۹	-۰۳۵۹۲	۰۰۳۷۴۵	۰۶۸۲۳۹	-۰۲۸۵۵	وضعیت ترقی شغلی قبل از ازدواج - وضعیت ترقی شغلی بعد از ازدواج
.۰۰۰	۴۸۱	۱۸/۳۵	-۰۵۲۳۷	-۰۶۴۸۱	۰۰۳۱۹۰	۰۷۰۰۳۱	-۰۵۸۵۴	دریافت حمایت قبل از ازدواج - دریافت حمایت بعد از ازدواج
.۰۰۰	۵۳۳	-۹/۷۹۷	-۰۳۵	-۰۵۳	۰۰۴۵	۱/۰۳۴	-۰۴۴	حمایت یدی قبل از ازدواج - حمایت یدی بعد از ازدواج
.۰۰۰	۵۴۸	-۱۲/۱۰۷	-۰۴۲	-۰۵۸	۰۰۴۱	۰۹۶۶	-۰۵۰	حمایت اطلاعاتی قبل از ازدواج - حمایت اطلاعاتی بعد از ازدواج
.۰۰۰	۵۳۰	-۵/۳۱۲	-۰۲۰	-۰۴۳	۰۰۵۹	۱/۳۶۴	-۰۳۱	حمایت مادی قبل از ازدواج - حمایت مادی بعد از ازدواج
.۰۰۰	۵۱۴	-۹/۴۴۱	-۰۳۲	-۰۴۹	۰۰۴۳	۰۹۶۶	-۰۴۰	حمایت ابزاری قبل از ازدواج - حمایت ابزاری بعد از ازدواج
.۰۰۰	۵۲۴	۱۷/۳۳	-۰۸۶	-۰۱۰۷	۰۰۵۴	۱/۲۴۰	-۰۹۶	حمایت عاطفی قبل از ازدواج - حمایت عاطفی بعد از ازدواج
.۰۰۰	۵۳۴	۱۴/۸۵	-۰۷۰	-۰۹۱	۰۰۵۴	۱/۲۴۹	-۰۸۰	حمایت احترام و ارزیابی قبل از ازدواج - حمایت احترام و ارزیابی بعد از ازدواج
.۰۲۳	۳۰۱	۲/۲۹۰	۰۱۴۵۳	۰۰۱۱۰	۰۰۳۴۱۲	۰۵۹۳۰۳	۰۰۷۸۱	وضعیت تحصیلی قبل از ازدواج - وضعیت تحصیلی بعد از ازدواج زنان
.۰۰۰	۲۰۶	۱۴/۸۴	-۰۲۰۷۸	-۰۲۷۱۴	۰۰۱۶۱۵	۰۲۳۲۲۹	-۰۲۳۹۶	وضعیت تحصیلی قبل از ازدواج - وضعیت تحصیلی بعد از ازدواج مردان

براساس آزمون فوق‌الذکر مقدار t محاسبه شده برای مقایسه وضعیت تحصیلی دانشجویان بعد از ازدواج نسبت به قبل از ازدواج برابر با ۲/۲۸۴ است که این مقدار در سطح معناداری ۰/۰۵ قرار دارد. با توجه به جدول مقادیر مورد نیاز برای رد فرضیه صفر، مقدار t محاسبه شده بیش از میزان مورد نیاز است بنابراین فرضیه موردنظر تأیید می‌گردد. یعنی نتایج مطالعه نشان می‌دهند که وضعیت تحصیلی دانشجویان بعد از ازدواج نسبت به قبل از ازدواج بهتر شده است و یا به عبارت دیگر موفقیت

تحصیلی دانشجویان بعد از ازدواج بیشتر است تا قبل از ازدواج. با این حال یک نکته قابل تأمل وجود دارد و آن این است که با تفکیک جنسیتی، تأثیرگذاری ازدواج بر روی وضعیت تحصیلی هم‌چنان ادامه دارد، با این تفاوت که برای مردان تأثیر مثبت و برای زنان تأثیر منفی داشته است (جدول ۵). در ارتباط با انواع حمایت‌های ۶ گانه مورد اشاره در این مطالعه نتایج تحلیل نشان می‌دهند که در تمامی این ۶ بعد، میزان حمایت دریافتی در بین دانشجویان بعد از ازدواج نسبت به قبل از ازدواج بیشتر شده است. براساس نتایج حاضر در جدول ۵ مقدار t برای مقایسه میزان دریافت حمایت‌های ۶ گانه بعد از ازدواج نسبت به قبل از ازدواج در سطح معناداری ۰/۰۵ است. با توجه به جدول مقادیر مورد نیاز برای رد فرضیه صفر نشان می‌دهد که مقدار t محاسبه شده بیش از میزان مورد نیاز است، بنابراین فرضیه مطروحه یعنی بین ازدواج و دریافت حمایت‌های بیشتر در ابعاد ۶ گانه رابطه وجود دارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در ارتباط با تأثیرگذاری ازدواج بر روی بعد دستیابی به هدف، که در این جا موفقیت شغلی به‌عنوان معرف این بعد در نظر گرفته شده است، نتایج آزمون t محاسبه شده ۷/۶۲۴ نشانگر وجود تفاوت معنادار در موفقیت شغلی بعد از ازدواج نسبت به قبل از ازدواج می‌باشد و دانشجویان ازدواج کرده از میزان موفقیت شغلی بیشتری برخوردار شده‌اند. نتیجه نشانگر تأیید فرضیه مورد نظر است. براساس تحلیل نتایج ناشی از مطالعه مورد نظر دانشجویان ازدواج کرده نسبت به قبل از ازدواج از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار شده، در عین حال ترکیب و نوع این سرمایه به لحاظ شبکه روابط سازنده آن دستخوش دگرگونی شده، و در برخی موارد با توجه به نوع آن از اندازه شبکه روابط کاسته شده است. به نحوی که از تعداد دوستان و آشنایان کم بر تعداد اقوام افزوده شده است. براساس این نتایج فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد. میزان t محاسبه شده برای این رابطه برابر با ۳/۷۰۸ است.

براساس تحلیل صورت گرفته دانشجویان ازدواج کرده نسبت به قبل از ازدواج از تهذیب نفس بیشتری برخوردار شده‌اند براساس این نتایج فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد. میزان t محاسبه شده برای این رابطه برابر با ۱۳/۷۳۲ است.

براساس تحلیل نتایج ناشی از مطالعه مورد نظر دانشجویان ازدواج کرده نسبت به قبل از ازدواج از سلامت جسمی و روانی بیشتری برخوردار شده‌اند. براساس این نتایج فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

بحث

مطالعات صورت گرفته نشانگر تأثیر متضاد و گاه متناقض ازدواج و تأهل بر روی موفقیت تحصیلی افراد است به نحوی که برخی از مطالعات بر روی تأثیر مثبت ازدواج تأکید داشته‌اند (جیمز، ۱۹۸۱؛ ساکس و همکاران، ۲۰۰۲؛ پاشا، ۱۳۷۶). برخی دیگر بر تأثیرگذاری منفی ازدواج بر روی

موفقیت‌های تحصیلی تأکید می‌نمایند (سگرام و همکاران، ۱۹۹۸؛ فررا، ۲۰۰۳؛ کرامر، ۱۹۹۸؛ هرندی، ۱۳۷۶؛ آستین و دیویس، ۱۹۸۵؛ کول و زاکرمن، ۱۹۸۷؛ نقل از کولیس، ۲۰۰۲). با توجه به نتایج آزمون تجربی حاضر، علی‌رغم اثبات فرضیه طرح شده مبنی بر تأثیرگذاری مثبت ازدواج بر روی موفقیت تحصیلی دانشجویان، به‌نظر می‌رسد با وارد کردن متغیر جنسیت در این معادله، نتیجه متناقضی به‌دست آید. در حالی‌که ازدواج منجر به موفقیت تحصیلی پسران می‌شود زمینه افت تحصیلی دانشجویان دختر را فراهم می‌آورد. این مسئله می‌تواند ناشی از صرف زمان بیشتر از سوی دختران برای رسیدگی به امور خانوادگی باشد. به هر حال این امر در تناقض با نقش ذاتی دانشگاه‌ها می‌باشد. به‌نظر می‌رسد برای رفع این تناقض تشکیل گروه‌های مشاوره به‌ویژه تحصیلی برای جبران افت تحصیلی دختران ضروری است.

ازدواج کاستی‌های ناشی از حمایت‌های رسمی را پر می‌کند و بدین طریق از امکان بروز بحران‌های روحی و روانی در میان قشر جوان می‌کاهد و بدون واسطه از میزان آنومی جامعه می‌کاهد. ازدواج با میزان بالایی از حمایت اجتماعی ادراک شده همراه است (رز، میروسکی و گلدستون، ۱۹۹۰). افراد مجرد و طلاق گرفته در مقایسه با متأهلین نسبت به آن‌چه که در آینده ممکن است برای آن‌ها اتفاق بیفتد از احساس امنیت کمتری برخوردارند (رز و میروسکی، ۲۰۰۲). مطالعه حاضر نیز نشان می‌دهند که افراد پس از ازدواج از میزان بالاتری از حمایت اجتماعی در ابعاد مختلف برخوردار شده‌اند. این نتایج نشان می‌دهند که دانشگاه‌ها با برگزاری چنین ازدواج‌هایی شرایط زندگی بهتری را برای دانشجویان فراهم می‌آورند و به‌طور غیرمستقیم می‌توانند زمینه موفقیت تحصیلی بیشتری را فراهم آورند. هم‌چنین زمینه انسجام اجتماعی بیشتر را از طریق درگیر شدن افراد در روابط حمایتی بیشتر فراهم می‌کنند.

ازدواج شرایط پیشرفت شغلی به شکل منطقی را فراهم می‌نماید و از سرخوردگی افراد می‌کاهد. دانکن و بلاو نشان داده‌اند که بین ازدواج و موفقیت حرفه‌ای رابطه وجود دارد و این موفقیت به‌ویژه تابع خصوصیات منزلتی همسران می‌تواند باشد (کرکوف، ۱۹۷۸). نتایج تحلیلی صورت گرفته در این مطالعه نیز تأییدکننده ادبیات نظری موجود در این زمینه است. به‌عبارت دیگر یکی از کارکردهای ازدواج دانشجویی، کمک به تسهیل دستیابی به هدف به‌عنوان یکی از ابعاد نظام عام اجتماعی است. این موضوع نشان می‌دهد که دانشجویان می‌توانند آن را با سیر طبیعی و برخلاف شواهد گفتمانی رایج که ازدواج را مانعی در راه ترقی و پیشرفت فردی می‌دانند، تلقی کنند.

با ترغیب و تشویق دانشجویان به شرکت در ازدواج‌های دانشجویی می‌توان بر کیفیت زندگی جوانان و دانشجویان افزود و زمینه بحران‌های روانی و روحی ناشی از مسائل و مشکلات دیگر را کاهش داد. افراد متأهل از میزان سلامتی بیشتری نسبت به مجردین و از نرخ خودکشی پایین‌تری برخوردارند (وایت و کالاگر، ۲۰۰۰؛ نقل از رز و میروسکی، ۲۰۰۲).

ترویج جشن‌های ازدواج دانشجویی یکی از بهترین روش‌ها در جهت هدایت افراد به سمت تهذیب نفس می‌باشد که شاید با صرف هزینه‌های بسیار عظیم‌تر هم نتوان به نتیجه مورد نظر دست یافت و در نهایت همان‌طور که در بخش ابتدایی این مقاله عنوان گردید با توجه به نتایج تحلیل‌های صورت گرفته ازدواج دانشجویی زمینه فعالیت، برنامه‌ریزی، نظم، انگیزه برای ادامه تحصیل، تلاش برای درک مفاهیم درسی را بالاتر برده و منجر به موفقیت تحصیلی بیشتر می‌گردد و بدین طریق نهادهای آموزش عالی را در رسیدن به هدف اصلی خود یاری می‌رساند.

با توجه به اهمیت پیوندهای ضعیف در مناسبات و نقش آن‌ها در زندگی و موفقیت‌های افراد و بسط و گسترش افق‌های هنجاری افراد و در عین حال پیشگیری از محدود شدن روابط افراد به روابط خانوادگی و قبیله‌ای که منجر به ایجاد خاص‌گرایی و انحصارطلبی می‌شود، ضرورت دارد بر نقش این نوع از روابط در زندگی اجتماعی تأکید کرد. هم‌چنین شرایط انسجام اجتماعی در سطح گسترده‌تری از جامعه را فراهم می‌آورد. با توجه به ویژگی فرهنگی و قومیتی جمعیت ایران که نیازمند حفظ و بسط این نوع از روابط است، ازدواج و روابط ناشی از آن که بیشتر مبتنی بر روابط قومی و درون گروهی است از میزان پیوندهای ضعیف می‌کاهد. نتایج تحلیل صورت گرفته در این مطالعه نیز نشانگر چنین مطلبی است. بنابراین ضروری است با تشکیل گروه‌های مشاوره روابط اجتماعی اهمیت این نوع از روابط را در زندگی افراد و جامعه مورد تأکید قرار داد و شرایط حفظ آن‌ها را فراهم آورد.

مطالعات پیشین در این زمینه که اکثراً در حد توصیفی بوده، گاه نشانگر تأثیر منفی ازدواج در زمان دانشجویی بر ابعاد مختلف مورد مطالعه بوده است اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ازدواج تأثیر مثبت بر روی کیفیت زندگی دانشجویان دارد. بنابراین حفظ، تقویت و تداوم ازدواج‌های دانشجویی لازم است.

منابع

- پاشا، غ. (۱۳۷۶)، اسفند). مقایسه بهداشت روانی بین دانشجویان مجرد و متأهل دانشگاه آزاد اسلامی اهواز. مقاله ارائه شده در نخستین همایش کشوری نقش ازدواج در بهداشت روانی دانشجویان، تهران.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- غنیمتی، ح. (۱۳۸۲). بررسی علل و عوامل مؤثر بر همبستگی بین گروهی (عوامل مؤثر بر همبستگی بین شهرهای استان زنجان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی (ترجمه م. صبوری). تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۰).
- هارولد، ک. و بنیامین، س. (۱۳۷۳). خلاصه روان‌پزشکی، علوم رفتاری و روان‌پزشکی بالینی (ترجمه ن. پورافکاری). تهران: آزاده. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۴).
- گنجی، ح. (۱۳۷۶). بهداشت روانی. تهران: ارسباران.

مزلو، آ. (۱۳۷۲). *انگیزش و شخصیت* (ترجمه ا. رضوانی). مشهد: آستان قدس رضوی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۵۴).
 مهدوی، م. ص. (۱۳۷۷). *بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- Bain, K., & Hicks, N. (1998, February). *Building social and reaching out to exclude groups: The challenge of partnerships*. Paper presented at CELAM meeting on the Struggle against Poverty toward the Turn of Millennium, Washington D.C.
- Bastani, S. (2001). *Middle class community in Tehran: Social networks, social support and marital relationships*. Unpublished doctoral dissertation, University of Toronto, Toronto.
- Baum, F., Cooke, R., & Murray, C. (1998, March). Community-based health promotion: Evaluation and development. Newsletter of the South Australian Community Health Research Unit, 7,1.
- Black, A., & Hughes, P. (2000, February). *Social capital in urban life*. Paper presented to Quality of Life Conference, Singapore.
- Bourdieu, P. (1985). The forms of capital. In J.G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258). New York: Greenwood.
- Brehm, J., & Rahn, W. (1997). Individual-level evidence for the causes and consequences of Social Capital. *American Journal of Political Science*, 41(3), 999-1023.
- Coleman, J. (1990). *Foundations of social theory*. Cambridge: Harvard university press.
- Creamer, E. G. (1998). *Assessing faculty publication productivity: Issues of equity*. ASHE-ERIC Higher Education Report Volume, 26, No. 2. Washington, DC: The George Washington University, Graduate School of Education and Human Development
- Furstenberg, F. F. (1996, October). *Social capital and the role of fathers in the family*. Paper presented at the National Symposium on Men in Families, Penn State, University Park, PA.
- Granovetter, M. (1985). Social structures and economic action: The problem of embedded ness. *American Journal of Sociology*, 91 (3), 481-510.
- Hofferth, S., Boisjoly, J., & Duncan, G. J. (1995). *Do families invest in social capital?* Research Report No. 95-353, Population Studies Center, University of Michigan, Ann Arbor, Michigan.
- Jahoda, M. (1958). *Current concepts of positive mental health*. New York: Basic Books.
- Kerckhoff, A. C. (1978). Marriage and occupational attainment in Great Britain and the United States. *Journal of Marriage and the Family*, 40(3), 595-599.
- Kulis, S., & Sicotte, D. (2002). Women scientists in academia: Geographically constrained to big cities, college clusters, or the coasts? *Research in Higher Education*, 43(1), 1-30.
- Onyx, J., & Bullen, P. (1998). *Measuring social capital in five communities in NSW: A practitioner's guide*. Sydney: Management Alternatives Pty Ltd.
- Portney, K. E., & Berry, J. M. (1998). Mobilizing minority communities: Social capital and participation in urban neighborhoods. *American Behavioral Scientist*, 40(5), 362-644.
- Ross, C. E., & Mirowsky, J. (2002). Family relationships, social support and subjective life expectancy. *Journal of Health and Social Behavior*, 43, 469-489.
- Ross, C. E., Mirowsky, J., & Goldsteen, K. (1990). The impact of the family on health: The decade in review. *Journal of Marriage and the Family* 52, 1059-78.

- Sax, L. J., Hagedorn, L. S., Arredondo, M., & Dicrisi, F. A. (2002). Faculty research productivity: Exploring the role of gender and family-related factors. *Research in Higher Education, 43*(4), 423-446.
- Schreiber, R., Crooks, D., & Poerager, P. S. (1997). Qualitative meta-analysis. In J. M. Morse (Ed.), *Completing a qualitative project: Details and dialogue* (pp.311-327) Thousand Oaks, CA: Sage.
- Spellerberg, A. (1997). Towards a framework for the measurement of social capital. In D. Robinson (Ed.), *Social capital and policy development* (pp.42-52). Institute of Policy Studies, Victoria University of Wellington, Wellington NZ.
- Stutzer A., & Frey, S. B. (2003). *Does marriage make people happy, or do happy people get married?* Institute for Empirical Research in Economics University of Zurich, Working Paper Series, ISSN 1424-0459.
- Wasserman, S., & Faust, K. (1999). *Social network analysis: Methods and applications*. New York: Cambridge University Press.
- Wellman, B. (1988). Networks as personal communities. In B. Wellman & S. D. Berkowitz (Eds.), *Social structure: A network approach* (pp.130-184). U.K.:Cambridge University Press.
- Wilson M. C., & Oswald, J. A. (2005). *How does marriage affect physical and psychological health? A Survey of the Longitudinal Evidence* [On-Line]. Available: <http://ftp.iza.org/do1619.pdf>
- Winter, I. (2000). *Family life and social capital: Towards a theorized understanding*. Working Paper No. 21, Australian Institute of Family Studies, Melbourne.
- Yess, P. J. (1981). The influence of marriage on community college student achievement in specific programs of study. *Research in Higher Education, 14*(2), 103-118.